

## تحلیل جامعه‌شناختی دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی در ایران (آزمون‌های سراسری ۱۳۸۴-۱۳۸۱)

محمد توکل<sup>۱\*</sup>، نسرین سالم<sup>۲</sup>، غلام‌عباس توسلی<sup>۳</sup>

(تاریخ دریافت ۸۹/۲/۲۲، تاریخ پذیرش ۸۹/۶/۱۴)

### چکیده

موضوع این مقاله، بررسی نابرابری (تفاوت پذیری) در دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی است. منظور از دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی، دسترسی به آموزش عالی در بخش دولتی است. نویسنده‌گان این مقاله دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی را با معروف‌های نمره آزمون ورودی دانشگاه‌ها و میزان پذیرفتگی‌شدن‌گان بر حسب استان‌های کشور مطالعه کرده‌اند. سؤال اصلی تحقیق این است: نابرابری در دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی چگونه قابل تبیین است؟ چارچوب نظری پژوهش با استفاده از رهیافت ستیزگرایی و نظریه بوردیو ساخته شده است. در مدل ارائه شده، دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی تابع سرمایه‌های اقتصادی و فرهنگی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد در دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی، تأثیر سرمایه‌های فرهنگی والدین بیشتر از سرمایه‌اقتصادی آنان است.

**واژه‌های کلیدی:** تحلیل جامعه‌شناختی، فرصت‌های آموزش عالی، آزمون سراسری ۱۳۸۴-۱۳۸۱

\* matavakol@ut.ac.ir

۱. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

۲. کارشناس ارشد سازمان سنجش آموزش کشور

۳. استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

### طرح مسئله

موضوع این مقاله، بررسی وضعیت دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی در ایران است. نویسندگان وضعیت دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی را با میانگین نمره‌های پذیرفته‌شدگان و درصد پذیرفته‌شدگان روزانه آزمون سراسری در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۱ بر حسب استان‌های کشور مطالعه کردند. دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی در شرایطی مطلوب است که توزیع نمره‌های ترازو شده پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها در اطراف میانگین حداقل باشد. ادعای مقاله این است که نابرابری و تفاوت پذیری در میانگین نمره‌های پذیرفته‌شدگان و تعداد پذیرفته‌شدگان حداقل است. در اثبات این مدعای توافق شواهد زیر را ارائه کرد:

**جدول ۱ آماره‌های توصیفی نمره‌های پذیرفته‌شدگان**

نمره آزمون	تعداد پذیرفته	دامتہ تغییرات	پایین‌ترین نمره	بالاترین نمره	میانگین	انحراف استاندارد
۱۳۸۱	۵۳۹۸۲	۸۹۵۹/۰۰	۳۴۵۲/۰۰	۱۲۴۱۱/۰۰	۸۳۲۵/۸۰۸۴	۹۵۲/۵۳۷۵۷
۱۳۸۲	۵۴۵۸۶	۷۸۷۶/۰۰	۴۵۹۱/۰۰	۱۲۴۶۷/۰۰	۸۲۸۹/۵۱۰۹	۹۷۵/۷۶۵۱۸
۱۳۸۳	۵۸۲۱۶	۱۰۵۴۶/۰۰	۳۳۷۳/۰۰	۱۳۹۱۹/۰۰	۸۷۲۲/۲۷۶۶	۱۱۳۴/۸۵۷۴۲
۱۳۸۴	۶۵۶۷۸	۱۰۴۰۳/۰۰	۳۱۱۴/۰۰	۱۳۵۱۷/۰۰	۸۵۶۸/۲۴۰۲	۱۱۲۱/۸۶۰۳۵
کل	۲۳۲۴۶۲	۱۰۸۰۵/۰۰	۳۱۱۴/۰۰	۱۳۹۱۹/۰۰	۸۴۸۵/۰۶۸۴	۱۰۷۲/۲۲۱۸۱

(استاد رسمی سازمان سنجش آموزش کشور)

با توجه به میزان‌های موجود در این جدول، پایین‌ترین دامتہ تغییرات با ۷۸۷۶ مربوط به سال ۱۳۸۲ است. از سوی دیگر، پایین‌ترین نمره آزمون به ۱۳۸۱ و بالاترین آن به سال ۱۳۸۴ تعلق دارد. در باب میزان انحراف استاندارد باید گفت کمترین میزان انحراف استاندارد با ۹۵۲ در سال ۱۳۸۱ و بالاترین میزان با ۱۱۳۴ در سال ۱۳۸۳ رخ داده است. شاخص انحراف استاندارد نشان می‌دهد چه نسبتی از نمره‌ها در فاصله‌های مختلف نسبت به میانگین قرار گرفته است. مقدار این شاخص هرچه به صفر نزدیک‌تر باشد، تغییر پذیری داده‌ها کمتر است. در این تحقیق مقدار آن زیاد است؛ بنابراین پراکندگی در نمره‌های افراد در آزمون ورودی دانشگاه‌ها بیشتر و تجانس در توزیع داده‌ها کمتر است. در سطح کل آزمون‌ها، دامتہ نمره‌ها از ۳۱۱۴/۰۰ تا ۱۳۹۱۹/۰۰، و میزان انحراف استاندارد برابر با ۱۰۷۲/۲۲۱۸۱ است.

شواهد مربوط به تعداد پذیرفته‌شدگان در استان‌ها بر آن دلالت دارد که در سال ۱۳۸۱ استان‌های یزد، قم، خراسان، اصفهان و فارس بهترتب با ۷۱، ۵۸، ۵۷، ۵۱ و ۵۱ نفر در هر ۱۰۰۰ نفر شرکت‌کننده، دارای بیشترین تعداد پذیرفته‌شده است. کمترین پذیرفته‌شدگان نیز به استان‌های هرمزگان، لرستان و اردبیل با ۲۰ و ۲۵ نفر مربوط است. دامنه تغییرات درصد پذیرفته‌شدگان از ۲۰ نفر در استان هرمزگان تا ۷۱ نفر در استان یزد متغیر است. استان تهران با تعداد پذیرفته‌شده ۴۴ نفر در حد وسط این دامنه قرار دارد. در سال ۱۳۸۲ استان‌های یزد، خراسان، قم، کردستان، فارس و اصفهان بهترتب با ۷۷، ۵۸، ۵۴، ۵۲، ۵۱ و ۵۱ نفر در هر ۱۰۰۰ شرکت‌کننده، دارای بیشترین پذیرفته‌شده هستند. کمترین تعداد پذیرفته‌شدگان با ۲۰ نفر نیز در استان هرمزگان است. دامنه تغییرات در سال ۱۳۸۲ از ۲۰ نفر در استان هرمزگان تا ۷۷ نفر در استان یزد متغیر است. در سال ۱۳۸۳ استان‌های یزد و خراسان بهترتب با ۸۵ و ۶۲ نفر در هر ۱۰۰۰ شرکت‌کننده دارای بیشترین پذیرفته‌شده، و استان هرمزگان با ۲۲ نفر دارای کمترین پذیرفته‌شده است. در سال ۱۳۸۴ استان‌های یزد، خراسان و کردستان بهترتب با ۱۰۱ و ۶۸ نفر در هر ۱۰۰۰ نفر دارای بیشترین پذیرفته‌شده است. کمترین تعداد پذیرفته‌شده در استان هرمزگان نیز ۲۳ نفر در هر ۱۰۰۰ نفر است (سالم، ۱۳۸۵). بر اساس آنچه گفته شد، درصد پذیرفته‌شدگان نیز از حداکثر تفاوت‌پذیری برخوردار است.

بنابراین، نابرابری (تفاوت‌پذیری) در دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی با معرفه‌های نمره آزمون ورودی دانشگاه‌ها و درصد پذیرفته‌شدگان، قابل مشاهده است. اکنون سؤال مقاله به این صورت مطرح می‌شود که نابرابری در دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی چگونه قابل تبیین است؟ پاسخ این سؤال ابتدا با استدلال نظری و سپس با استدلال تجربی ارائه شده است.

### چارچوب نظری

دستگاه نظری مناسب این مقاله با الهام از رهیافت ستیزگرایی طرح شده است. خاستگاه رویکرد ستیزگرایی در اندیشه مارکس است. طرفداران این رویکرد منشأ نابرابری‌های اجتماعی را در توزیع نابرابر منابع ارزشمند و کمیاب اجتماعی می‌دانند. در رویکرد ستیزگرایی، آموزش

در تضادهای جامعه ریشه دارد و بخشی از نظامی است که بر تملک و عدم تملک بنا نهاده شده است. نظامهای آموزشی از راه کنترل طبقه مسلط وجود ساخت طبقاتی را دائمی می‌کنند و در نتیجه، دسترسی گروههای مختلف جامعه به موقعیت‌های اجتماعی کنترل می‌شود. بنابراین، نظام آموزشی با ایفای نقش خود نظام طبقاتی را تداوم بخشیده، افراد را برای ایفای نقش در جامعه سرمایه‌داری آماده می‌کند (Ballantine, 1989).

یکی از نظریه‌های رویکرد ستیزگرایی، بازتولید اجتماعی<sup>۱</sup> است. نظریه بازتولید اجتماعی، سرمایه اقتصادی را اساس نابرابری و عامل مهمی در بازتولید اجتماعی می‌داند. این نظریه را برنشتاین<sup>۲</sup>، بوردیو<sup>۳</sup> و باولز، که همگی از جامعه‌شناسان مارکسیست و نووارکسیست هستند، مطرح کرده‌اند (Livingstone, 1987). آنان معتقدند نابرابری‌های اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و مدرسه در این انتقال نقش مهمی دارد. در واقع تجربه‌های به دست آمده از مدرسه به حفظ تفاوت‌های اجتماعی- اقتصادی میان خانواده کمک می‌کند. بر اساس این نظریه، ویژگی‌های ساختار اجتماعی در دوره‌های زمانی حفظ و دائمی می‌شوند (گیدنز، ۱۳۷۳).

یکی دیگر از نظریه‌های رویکرد ستیزگرایی، بازتولید فرهنگی است. این نظریه را افرادی مانند برنشتاین، بوردیو، دوگلاس، ملوین کوهن<sup>۴</sup> و هایمن<sup>۵</sup> مطرح کرده‌اند (برای مطالعه بیشتر بنگرید به ساعی، ۱۳۷۴). نظریه بازتولید فرهنگی از تحلیل ماکس ویر<sup>۶</sup> درباره نقش و جایگاه گروههای منزلتی در جوامع متأثر است. مفهوم بازتولید فرهنگی به وسایلی اشاره دارد که به کمک آن‌ها مدارس بر یادگیری ارزش‌ها، نگرش‌ها و عادت‌ها تأثیر می‌گذارد. شیوه‌های رفتار و گفتار کودکانی که از زمینه‌های اجتماعی و خانوادگی طبقه پایین برخاسته‌اند، به ویژه کودکان گروههای اقلیت، با شیوه‌های گفتار و رفتار مسلط در مدرسه در تضاد است. کودکان طبقه پایین هنگام ورود به مدرسه با تقابل فرهنگی بسیار شدیدی روبرو می‌شوند تا کودکانی که خانواده‌های مرغه‌تری دارند. نظریه بازتولید فرهنگی با تأکید بر شیوه‌های جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌ها و هنجارها و الگوهای رفتاری (سرمایه

1. Social Reproduction
2. Bernstein
3. Bourdieu
4. Melvin kohn
5. Hyman
6. Max Weber

فرهنگی) از والدین به فرزندان، حفظ و بازتولید نابرابر سرمایه فرهنگی را از طریق نظام آموزش و پژوهش می‌داند.

در این پژوهش، از میان صاحب‌نظران بازتولید اجتماعی و فرهنگی، بوردیو را انتخاب و نظریه او را بررسی کردایم. دلیل گزینش بوردیو این است که در نظریه او هم عناصر بازتولید اجتماعی و هم عناصر مفهومی بازتولید فرهنگی آمده است. بوردیو برخلاف مارکس، که طبقه را نظامی از حقوق مادی می‌داند، برداشت پیچیده‌ای از طبقه دارد که انواع سرمایه: سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup>، سرمایه فرهنگی<sup>۲</sup> و سرمایه اقتصادی<sup>۳</sup> را دربرمی‌گیرد. (گفتنی است که در این مقاله به سرمایه اجتماعی پرداخته نشده است). این سه نوع سرمایه از نظر سیالیت<sup>۴</sup>، قابلیت تبدیل<sup>۵</sup>، فرسایش<sup>۶</sup> و تورم<sup>۷</sup> با هم متفاوت‌اند. سرمایه اقتصادی سیال‌تر است و به سرمایه اجتماعی و فرهنگی به‌آسانی تبدیل می‌شود. در مقابل، قابلیت تبدیل سرمایه اجتماعی به سرمایه فرهنگی پرهزینه‌تر، و تبدیل سرمایه فرهنگی به سرمایه اجتماعی آسان‌تر است. سرمایه اقتصادی ناظر بر دارایی تولیدی از قبیل پول و هرچیز مادی است که می‌تواند در تولید کالا و خدمات به کار گرفته شود. افراد با داشتن سرمایه اقتصادی می‌توانند کالاهای فرهنگی بیشتری در اختیار داشته باشند و از امکانات تحصیلی و آموزشی بیشتری برخوردار شوند و از این راه سرمایه فرهنگی خود را افزایش دهند. سرمایه اقتصادی در مقایسه با سرمایه فرهنگی و اجتماعی با سرعت بیشتری به سرمایه‌های دیگر تبدیل می‌شود. سرمایه فرهنگی مهارت‌های غیررسمی بین اشخاص مانند سبک زندگی، وضعیت تحصیلی، ذائقه و زبان است که طی فرایند جامعه‌پذیری به دست می‌آید. سرمایه فرهنگی در بین سرمایه‌ها پا بر جاترین و ثابت‌ترین سرمایه است.

ویژگی بارز سرمایه فرهنگی بوردیو، تحلیل سازوکار موقوفیت‌های تحصیلی با توجه به میزان برخورداری گروه‌ها و طبقات اجتماعی از این سرمایه است. دانش آموزانی که سرمایه فرهنگی بیشتری دارند (دانش آموزان خانواده‌هایی که مهارت‌ها و برتری‌های فرهنگی مسلط در اختیار دارند) قواعد بازی را رمزگشایی می‌کنند و بهتر می‌توانند مهارت‌ها و برتری‌های

- 
1. Social Capital
  2. Cultural Capital
  3. Economic Capital
  4. Liquidity
  5. Convertibility
  6. Attrition
  7. Inflation

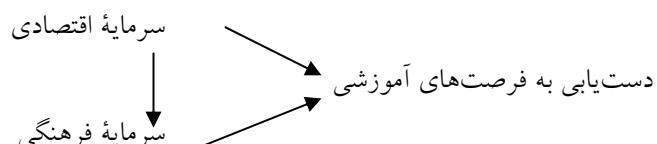
فرهنگی را که در مدارس پاداش می‌گیرند، در خود پرورش دهند و بنابراین بهتر می‌توانند به مراتب بالای تحصیلی برسند. براساس این، طبقات مسلط در مقایسه با طبقات دیگر از سرمایه فرهنگی سهم بیشتری می‌برند؛ بنابراین بیشتر می‌توانند این نوع سرمایه را در اختیار فرزندانشان بگذارند. با افزایش سرمایه فرهنگی نزد طبقات متوسط، عملکرد تحصیلی فرزندان نیز افزایش می‌یابد.

بوردیو در تحلیل موقوفیت‌های تحصیلی طبقات مختلف اجتماعی خاطرنشان می‌کند که همگام با گسترش سریع آموزش عالی، سرمایه فرهنگی به عنوان نیروی جدید در موقوفیت افراد وارد عمل می‌شود. سرمایه فرهنگی ممکن است به سه شکل وجود داشته باشد:

۱. سرمایه فرهنگی درونی شده<sup>۱</sup>: توانایی‌های بالقوه‌ای که کم کم بخشی از وجود فرد شده و در او ثبت شده‌اند.
۲. سرمایه فرهنگی عینی<sup>۲</sup>: کالاهای فرهنگی و اشیاء مادی مانند کتاب، نقاشی و آثار هنری.
۳. سرمایه فرهنگی نهادینه شده<sup>۳</sup>: صلاحیت‌های تحصیلی که در قالب مدارک و مدارج تحصیلی قرار می‌گیرند (بوردیو، ۱۳۸۴).

در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت در نظریه بازتولید، آموزش، بازتابی از ساختار توزیع سرمایه فرهنگی و اقتصادی بین طبقات اجتماعی است.

اکنون با الهام از نظریه بوردیو می‌توان دستگاه نظری متناسب با مسئله مقاله را فرموله کرد و تبیین نظری تفاوت‌پذیری در دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی را ارائه نمود. درواقع دستگاه نظری مقاله در چارچوب رهیافت ستیزگرایی بر نظریه طبقه بوردیو بنا نهاده شده و ساختار منطقی آن به صورت زیر است:



- 
1. Embodied
  2. Objective
  3. Institutionalized

بر اساس این مدل نظری، سرمایه اقتصادی به سرمایه فرهنگی منجر می‌شود. سرمایه فرهنگی دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی را آسان می‌کند. از سوی دیگر، سرمایه اقتصادی به طور مستقیم نیز موفقیت افراد را در دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی تبیین می‌کند. از چارچوب نظری این مقاله دو فرضیه برآمده است:

- در فرضیه اول دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی در ایران با سرمایه اقتصادی والدین هم‌تغییری دارد؛ به‌گونه‌ای که هرچه میزان سرمایه اقتصادی بیشتر باشد، میزان موفقیت در دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی نیز بیشتر می‌شود.

- فرضیه دوم بر این اساس بنا نهاده شده است که دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی در ایران با سرمایه فرهنگی والدین هم‌تغییری دارد؛ به‌گونه‌ای که هرچه میزان سرمایه فرهنگی بیشتر باشد، میزان موفقیت در دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی نیز بیشتر می‌شود.

### چارچوب روش‌شناسنگی

در این قسمت مفاهیم فرضیه‌ها تعریف، و نحوه سنجش آن‌ها مشخص شده است.

- دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی: منظور از دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی، دسترسی به دانشگاه است. دسترسی به فرصت‌های آموزشی با معرفه‌های تجربی در صد پذیرفته‌شدن‌گان و میانگین نمره آزمون ورودی دانشگاه‌ها اندازه‌گیری شده است.

- سرمایه اقتصادی: منظور از سرمایه اقتصادی، سرمایه مبتنی بر درآمد مالی و منابع مالی و دارایی است. معرف تجربی سرمایه اقتصادی، درآمد والدین پذیرفته‌شدن‌گان و پذیرفته‌نشدن‌گان آزمون سراسری است.

- سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی مهارت‌های غیررسمی بین اشخاص مانند سبک زندگی و وضعیت تحصیلی است که طی فرایند جامعه‌پذیری به دست می‌آید. سرمایه فرهنگی ممکن است به سه شکل وجود داشته باشد: درونی شده، عینی و نهادینه شده. در اینجا بعد سرمایه فرهنگی نهادینه شده بررسی شده است. مفهوم سرمایه فرهنگی

نهادینه شده با معرفه های تجربی سواد والدین و معدل دبیرستان پذیرفته شدگان اندازه گیری شده است.

روش گردآوری داده های این پژوهش، اسنادی است و با مراجعه به اسناد موجود در سازمان سنجش آموزش کشور، داده های مناسب جمع آوری شده است. روش تحلیل تجربی نیز کمی است و از روش های آماری مانند درصد، نرخ، میانگین و تحلیل رگرسیون استفاده شده است. جامعه آماری مقاله، کل پذیرفته شدگان دوره کارشناسی و روزانه آزمون های سراسری سال های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ است. از داوطلبان پذیرفته شده به عنوان گروه کنترل بر حسب ضرورت استفاده شده است. واحدهای تحلیل نیز استان و سال است.

### یافته ها

در این بخش راه حل نظری ارائه شده در چارچوب نظری، با استدلال تجربی ارزیابی شده است. به عبارت دیگر، گزاره های فرضیه های علمی از طریق گزاره های مشاهده ای، در پرتو استدلال تجربی مورد آزمون تجربی واقع شده است. پیش از آزمون فرضیه ها، تأثیر عامل جنسیت بر متغیر وابسته یعنی نمره آزمون بررسی شده است.

در جدول شماره دو توزیع میانگین نمره ها در بین قبول شدگان و مردودی ها با وارد کردن عامل جنسیت نشان داده شده است. تأثیر عامل جنسیت در تفاوت میانگین نمره های آزمون پذیرفته شدگان و مردودی ها قابل توجه است. در سال های مورد بررسی میانگین نمره های پذیرفته شدگان مرد نسبت به پذیرفته شدگان زن بیشتر است؛ در حالی که در این سال ها میانگین نمره های آزمون مردودی های زن نسبت به مردودی های مرد در سطح بالاتری قرار دارد. مقایسه سال های آزمون نشان می دهد میانگین نمره آزمون در سال ۱۳۸۳ نسبت به سال های دیگر بالاتر است و سال ۱۳۸۴ در مرتبه بعدی قرار دارد.

### جدول ۲ توزیع نمره آزمون بر حسب وضعیت پذیرش از سال ۱۳۸۱-۱۳۸۴

جنسيت		سال آزمون		
مرد	زن			
نمره آزمون	نمره آزمون			
میانگین	میانگین			
۸۳۷۸/۳۰	۸۲۸۷/۹۳	قبولی	وضعیت قبولی	۱۳۸۱
۴۹۶۵/۵۱	۵۱۹۱/۹۰	عدم قبولی		
۸۳۷۲/۰۸	۸۲۲۸/۴۳	قبولی	وضعیت قبولی	۱۳۸۲
۴۹۹۱/۵۷	۵۱۶۱/۸۴	عدم قبولی		
۸۷۴۳/۳۳	۸۷۰۵/۸۱	قبولی	وضعیت قبولی	۱۳۸۳
۴۹۷۱/۰۴	۵۱۸۷/۲۴	عدم قبولی		
۸۵۸۵/۰۴	۸۵۵۵/۶۵	قبولی	وضعیت قبولی	۱۳۸۴
۴۹۷۹/۱۳	۵۱۳۹/۱۴	عدم قبولی		

### داوری در باب فرضیه اول

فرضیه اول به این صورت بیان شده بود که دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی در ایران با سرمایه اقتصادی همراه است. معرف تجربی آن نیز درآمد والدین پذیرفته‌شدگان و پذیرفته‌نشدگان در آزمون ورودی دانشگاه‌هاست. بر اساس آنچه پیشتر گفته شد، دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی با معرف‌های میانگین نمره آزمون ورودی و درصد پذیرفته‌شدگان و سرمایه اقتصادی با درآمد والدین مورد سنجش قرار گرفته است. رابطه متغیر درآمد والدین را با امکان دست‌یابی / عدم دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی، با شاخص‌های آماری درصد و نمودار بررسی کردند.

### جدول ۳ توزیع درآمد والدین بر حسب وضعیت پذیرش

جمع	وضعیت پذیرش		درآمد والدین	
	عدم قبولی	قبولی	فراآنی	درصد
۱۱۴۶۴۱۰	۱۱۱۰۳۰۵	۹۶/۹	۳۶۱۰۵	۳/۱
۱۶۸۶۵۴۵	۱۶۲۰۱۹۰	۹۶/۱	۶۶۳۵۵	۳/۹
۱۷۰۹۲۶۷	۱۶۰۵۶۴۹	۹۳/۹	۱۰۳۶۱۸	۶/۱
۴۵۴۲۲۲۲	۴۳۳۶۱۴۴	۹۵/۵	۲۰۶۰۷۸	۴/۵
جمع				پایین

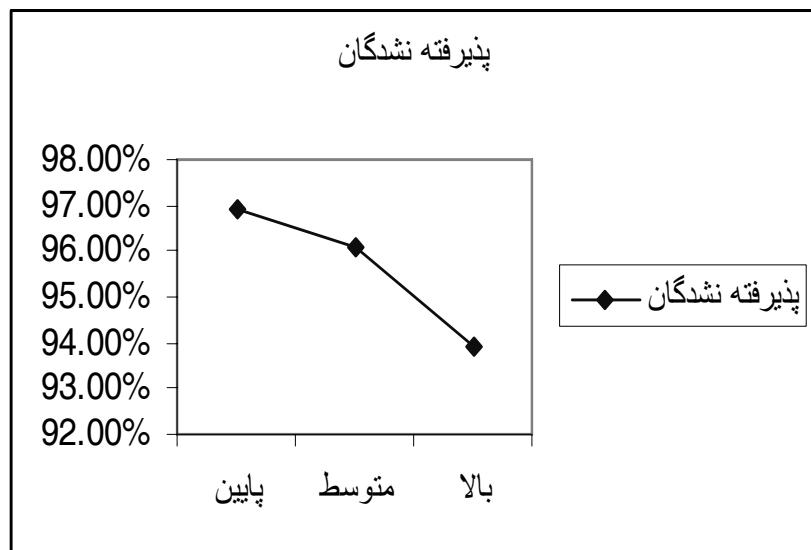
توزیع درآمد والدین در جدول شماره سه نشان می‌دهد هرچه درآمد والدین بالاتر باشد، میزان پذیرفته شدگان نیز بیشتر می‌شود. شواهد گویای آن است زمانی که درآمد والدین به عنوان معرف تجربی سرمایه اقتصادی پایین است، نسبت قبولی نیز پایین می‌آید؛ اما با افزایش سرمایه اقتصادی نسبت قبولی نیز افزایش می‌یابد؛ به این معنا که تغییرات متغیر سرمایه اقتصادی با تغییرات نسبت پذیرفته شدگان، تابع الگوی تغییر منظم<sup>۱</sup> است.



نمودار ۱ وضعیت پذیرفته شدگان بر حسب درآمد والدین

1. Regularity

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است: آیا می‌توان به این یافته آماری اعتماد کرد؟ در پاسخ به این سؤال، میزان مردوکی‌های آزمون‌های سال‌های مورد مطالعه را وارد تحلیل کرده، رابطه به دست آمده را کنترل می‌کنیم. شواهد نشان می‌دهد زمانی که سرمایه اقتصادی پایین است، نسبت مردوکشده‌ها در مقایسه با طبقه مرتفع، بالاست؛ به این معنا که با افزایش سرمایه اقتصادی احتمال مردوکی در میان فرزندان دارای سرمایه اقتصادی بالا کاهش می‌یابد. در اینجا نیز شاهد یک الگوی تغییر منظم هستیم (نمودار ۲).



نمودار ۲ وضعیت پذیرفته‌نشدگان بر حسب درآمد والدین

نمره آزمون ورود به دانشگاه یکی دیگر از معروف‌های تجربی دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی است و رابطه آن با درآمد والدین با استفاده از تکنیک رگرسیون بررسی شده است.

## جدول ۴ رگرسیون درآمد والدین بر نمره آزمون ورود به دانشگاه

ضرایب	سال آزمون				
	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	کل
R	.۲۶	.۲۵۳	.۲۵۶	.۲۵۲	.۲۷۶
R Square	.۰۵۵	.۰۶۴	.۰۶۶	.۰۶۳	.۰۷۶
F	۲۰.۲۷۲۹	۷۷.۳۰۹۱	۲۳.۳۷۰۸	۶۶.۴۱۰۵	۱۰۶.۱۷۰۱۰
Sig	... .	... .	... .	... .	... .
(Constant)	۳۴.۷۷۹۰	۵۲.۷۵۷۲	۰۲.۸۰۲۵	۳۸.۷۶۷۸	۶۲۷.۷۷۹۹
B	.۰۰۴	.۰۰۴	.۰۰۳	.۰۰۴	.۰۰۴

یافته‌های آزمون تجربی نشان می‌دهد ضریب همبستگی نمره آزمون ورود به دانشگاه در سال ۱۳۸۱ با متوسط درآمد والدین ۲۴ درصد و ضریب تعیین آن معادل ۰/۰۵ است؛ به این معنا که نسبتی از واریانس متغیر نمره آزمون ورود به دانشگاه که با متغیر متوسط درآمد والدین تعیین شده، به اندازه ۰/۰۵ واریانس باقی‌مانده ۹۵ درصد است. نسبت F معنادار بودن این رابطه را تأیید می‌کند.

$$Y = ۳۴.۷۷۹۰ + ۰.۰۰۴X$$

بر اساس یافته‌های تجربی موجود در تابع رگرسیون، می‌توان داوری کرد که اگر تأثیر متوسط درآمد والدین را روی نمره آزمون ثابت نگه داریم، عرض از مبدأ برابر با ۳۴.۷۷۹۰ است. به ازای هر واحد تغییر یا افزایش در متغیر متوسط درآمد والدین ۰/۰۰۴ واحد تغییر<sup>۱</sup> در نمره آزمون ورودی دانشگاه‌ها قابل تخمین<sup>۲</sup> است. یافته‌های تجربی به دست آمده در سال ۱۳۸۱ از نظر ضریب تعیین و شبیه رگرسیون در سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ نیز صادق است؛ بنابراین از تحلیل آن‌ها خودداری می‌شود.

تحلیل رگرسیون در سطح کل آزمون‌های مورد بررسی نشان می‌دهد نمره آزمون ورودی دانشگاه‌ها به اندازه ۲۷ درصد با متوسط درآمد والدین همبستگی دارد. این مقدار با مقدار

1. Change

2. Estimated

## تحلیل جامعه‌شناختی دست‌یابی به فرصت‌های ... محمد توکل و همکار

به دست آمده در سطح تحلیل درون‌آزمونی چندان تفاوتی ندارد. ضریب زاویه رگرسیون هم در سطح تحلیل کل و هم در سطح درون‌آزمون یکسان است. بر مبنای این داده‌ها می‌توان چنین داوری کرد: درآمد والدین با دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی رابطه معنادار دارد؛ هر چند این رابطه قوی نیست.

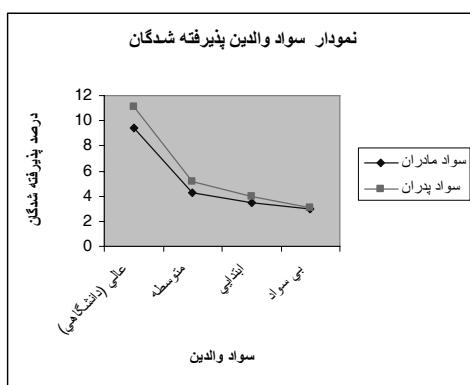
## داوری در باب فرضیه دوم

دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی در ایران با سرمایه فرهنگی همراه است؛ به گونه‌ای که هر چه میزان سرمایه فرهنگی بیشتر باشد، میزان موفقیت در دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی نیز بیشتر می‌شود. براساس تعریف عملیاتی، مفهوم سرمایه فرهنگی با بعد سرمایه فرهنگی نهادینه شده اندازه‌گیری شده است و معرفه‌های تجربی آن، سواد والدین و معدل دبیرستان پذیرفته شدگان است. رابطه متغیر سواد والدین را با امکان دست‌یابی / عدم دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی از طریق شاخص‌های آماری درصد و نمودار بررسی کردہ‌ایم.

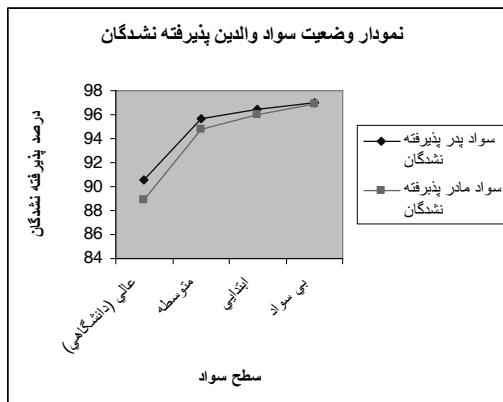
جدول ۵ توزیع تحصیلات والدین با وضعیت پذیرش

وضعیت پذیرش				تحصیلات والدین	
پذیرفته شدگان		پذیرفته نشده‌گان			
مادران	پدران	مادران	پدران		
۸۸/۹	۹۰/۶	۱۱/۱	۹/۴	(دانشگاهی) عالی	
۹۴/۸	۹۵/۷	۵/۲	۴/۳	متوسطه	
۹۶/۰	۹۶/۵	۴/۰	۲/۵	ابتدایی	
۹۶/۹	۹۷/۰	۳/۱	۲/۰	بی‌سواد	
۹۵/۴	۹۵/۴	۴/۶	۴/۶	جمع	

شواهد نشان می‌دهد زمانی که سرمایه فرهنگی (با معرف تجربی سواد والدین) پایین است، نسبت قبولی نیز کم است؛ اما با افزایش آن، نسبت قبولی نیز بالا می‌رود. این رابطه در تمام سال‌های مورد مطالعه صادق است؛ به این معنا که تغییرات معرف تجربی سرمایه فرهنگی با نسبت تغییرات پذیرفته‌شدگان تابع یک الگوی تغییرمنظم است. این الگوی تغییر از نوع خطی است. نمودار شماره سه گواه این ادعاست.



برای اینکه بدانیم تا چه اندازه می‌توان به یافته‌های آمارهای به دست آمده اعتماد کرد، نسبت مردودشده‌ها را وارد تحلیل می‌کنیم. شواهد نشان می‌دهد زمانی که سواد والدین در سطح دانشگاهی (عالی) است، نسبت مردودی‌ها در مقایسه با میزان مردودی‌های سایر طبقات تحصیلی پایین است. اما وقتی سواد والدین کاهش پیدا می‌کند، میزان مردودشده‌ها نیز افزایش می‌یابد؛ به گونه‌ای که این میزان در گروه بی‌سوادان به حداقل می‌رسد. بنابراین، می‌توان چنین داوری کرد: سواد والدین می‌تواند یکی از عوامل تبیین‌کننده توزیع فرصت‌های آموزشی باشد؛ به این معنا که تغییرات معرف تجربی سرمایه فرهنگی (سواد والدین) با تغییرات نسبت پذیرفته‌نشدگان تابع یک الگوی تغییرمنظم است (نمودار ۴).



نمودار ۴ رابطه سواد والدين با درصد پذيرفته نشدنگان

نکته قابل توجه این است که اگر عوامل تأثیرگذار دیگر ثابت فرض شوند، در شرایط مساوی میزان دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی در میان افرادی که مادر آنان مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر دارند، بیشتر از کسانی است که پدرانشان همان میزان تحصیلات را دارند؛ بنابر این سهم سواد مادر در موقعيت تحصیلی فرزندان بیشتر از سواد پدر است. در ادامه، رابطه معدل دیپلم استان را با نمره آزمون ورودی می‌سنجیم. ابتدا رابطه این دو متغیر را بر حسب استان محل اخذ دیپلم بررسی، و سپس تحلیل رگرسیون کل را رایه می‌کنیم.

جدول ۶ رگرسیون معدل دیپلم استان بر نمره آزمون بر حسب استان

استان محل اخذ دیپلم					
ضرائب					
B	Constant	Sig.	F	R Square	R
۲۱۸/۶۳۳	۴۷۸۴/۴۹۴	/۰۰۰	۴۵۸/۵۳۹	/۱۷۳	/۴۱۶
۲۰۱/۷۲۵	۵۱۳۴/۲۵۰	/۰۰۰	۱۵۶۹/۰۳۸	/۱۵۲	/۳۹۰
۱۹۴/۴۶۱	۵۲۱۹/۱۵۳	/۰۰۰	۹۷۹/۵۳۰	/۱۶۶	/۴۰۸
۲۸۳/۸۳۷	۳۶۷۹/۸۶۶	/۰۰۰	۳۹۳۸/۱۲۶	/۲۱۵	/۴۶۴
۱۵۱/۸۸۹	۵۵۷۲/۲۳۶	/۰۰۰	۳۹۳/۵۷۸	/۱۲۰	/۳۴۶
۱۷۳/۱۱۳	۵۵۳۰/۷۱۵	/۰۰۰	۱۰۱۱/۲۶۴	/۱۴۴	/۳۷۹

ضرایب						استان محل اخذ دiplom
B	Constant	Sig.	F	R Square	R	
۱۴۲/۷۶۱	۵۸۷۵/۷۱۷	/۰۰۰	۱۸۹/۱۷۴	/۰۹۵	/۳۰۹	بوشهر
۲۴۲/۶۳۳	۴۶۴۱/۶۱۱	/۰۰۰	۷۴۶۳/۹۴۳	/۱۷۰	/۴۱۲	تهران
۲۱۴/۶۱۵	۴۷۳۸/۷۰۲	/۰۰۰	۵۰۳/۱۸۹	/۱۵۶	/۳۹۵	چهارمحال و بختیاری
۲۵۰/۰۳۶	۴۲۶۵/۵۵۹	/۰۰۰	۴۹۴۴/۷۳۴	/۲۱۰	/۴۵۹	خراسان
۱۷۹/۱۰۶	۵۳۹۷/۸۵۲	/۰۰۰	۱۱۴۳/۸۵۵	/۱۴۵	/۳۸۰	خوزستان
۱۶۰/۰۵۲	۵۷۰۳/۱۸۷	/۰۰۰	۲۶۰/۹۵۲	/۱۲۰	/۳۴۷	زنجان
۳۰۳/۰۳۷	۳۳۳۴/۷۱۰	/۰۰۰	۴۰۶/۰۶۲	/۲۵۰	/۵۰۰	سمنان
۲۱۲/۴۸۹	۳۹۸۷/۱۴۱	/۰۰۰	۶۵۵/۰۸۸	/۲۰۷	/۴۵۵	سیستان و بلوچستان
۲۰۶/۴۲۷	۵۰۹۷/۷۰۰	/۰۰۰	۲۸۰۷/۳۵۴	/۱۶۰	/۴۰۰	فارس
۱۷۰/۶۳۳	۵۵۹۸/۴۸۰	/۰۰۰	۶۵۳/۳۱۲	/۱۴۳	/۳۷۸	کردستان
۲۹۳/۴۹۵	۳۲۷۷/۹۲۲	/۰۰۰	۱۳۵۳/۴۷۳	/۲۱۴	/۴۶۳	کرمان
۱۶۹/۶۸۲	۵۵۰۵/۱۱۰	/۰۰۰	۴۶۹/۹۳۵	/۱۵۶	/۳۹۵	کهکیلویه و بویر احمد
۲۱۳/۹۷۹	۴۸۴۴/۸۷۵	/۰۰۰	۸۰۵/۵۱۹	/۱۴۶	/۳۸۲	گیلان
۱۱۸/۳۵۶	۶۳۰۳/۶۷۵	***	۴۱۵/۷۰۷	/۰۸۲	/۲۸۶	لرستان
۲۵۲/۳۷۴	۴۳۲۸/۸۵۳	/۰۰۰	۲۲۴۲/۴۷۰	/۱۹۸	/۴۴۵	مازندران
۲۲۹/۶۹۱	۴۶۲۴/۲۳۶	/۰۰۰	۵۸۵/۲۲۳	/۱۷۵	/۴۱۸	مرکزی
۲۰۹/۴۶۷	۴۵۵۹/۹۰۴	/۰۰۰	۲۹۷/۹۲۰	/۱۸۸	/۴۳۳	هرمزگان
۲۰۷/۸۲۳	۴۹۴۳/۷۲۱	***	۸۲۲/۸۲۰	/۱۷۰	/۴۱۲	همدان
۳۶۵/۹۶۹	۲۲۹۰/۹۷۵	/۰۰۰	۱۵۹۷/۳۵۸	/۲۶۸	/۵۱۸	بزد
۱۹۸/۶۱۰	۵۱۳۲/۴۱۳	/۰۰۰	۵۱۵/۵۵۷	/۱۵۰	/۳۸۷	قم
۲۳۹/۶۵۶	۴۴۹۳/۰۸۴	/۰۰۰	۴۴۸/۳۶۷	/۱۹۱	/۴۳۷	قزوین
۲۳۰/۵۳۷	۴۵۸۹/۴۷۶	/۰۰۰	۸۳۶/۵۹۸	/۱۸۹	/۴۳۵	گلستان

بر اساس داده‌های جدول، بیشترین میزان همبستگی بین معدل دیبرستان و نمره آزمون ورودی دانشگاه در استان‌های یزد، سمنان، اصفهان و خراسان رخ داده است. ضریب همبستگی در این استان‌ها به ترتیب ۰/۵۲، ۰/۴۶، ۰/۴۶ و ۰/۴۶ است. کمترین همبستگی میان دو متغیر مورد مطالعه در استان‌های بوشهر با ۰/۳۱، ایلام با ۰/۳۵ و زنجان با ۰/۳۵ است. اکنون واحد تحلیل را تغییر داده، تحلیل رگرسیون را در سال‌های آزمون اجرا می‌کنیم.

جدول ۷ داده‌های تجربی رگرسیون معدل دیبرستان بر نمره آزمون ورودی بر حسب سال آزمون

ضرایب	سال آزمون			
	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴
R	.۴۵	.۴۱	.۴۶	.۴۵
R Square	.۲۰	.۱۶	.۲۱	.۲۰
F	۲۹۳.۷۸۰۰	۶۰۷.۶۴۲۳	۴۸۲.۱۴۶۸۷	۰۴۲.۱۵۴۳۹
Sig	...۰۰۰	...۰۰۰	...۰۰۰	...۰۰۰
(Constant)	۱۱.۵۰۲۴	۲۵.۰۱۰۵	۹۱.۴۵۴۰	۳۶.۴۳۶۱
B	۱۹۳.۳۳	۱۱.۱۸۰	۳۳.۲۵۱	۱۸.۲۵۱

یافته‌های تجربی گویای آن است که در آزمون سال تحصیلی ۱۳۸۱ ضریب همبستگی نمره آزمون ورودی دانشگاه‌ها با معدل دیبرستان افراد ۴۴درصد و ضریب تعیین آن معادل ۰/۲۰ است؛ به این معنا که نسبتی از واریانس متغیر نمره آزمون ورود به دانشگاه که به وسیله متغیر معدل دیبرستان افراد تبیین شده، به اندازه ۰/۲۰ و واریانس باقی‌مانده ۰/۸۰ درصد است. نسبت F معنادار بودن این رابطه را تأیید می‌کند. ضریب همبستگی این دو متغیر در آزمون سال‌های تحصیلی ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ به ترتیب ۰/۴۱ و ۰/۴۵ درصد و ۰/۴۶ درصد بوده است. مقدار ضریب تعیین در سال تحصیلی ۱۳۸۲ در مقایسه با سال‌های دیگر مورد مطالعه، حداقل است. بر مبنای این داده‌ها می‌توان گفت معدل دیبرستان با دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی ارتباط دارد. در ادامه همه واحدهای تحلیل را یک‌جا وارد کرده، رگرسیون کل را اجرا می‌کنیم.

Model	R	R Square
۱	/ ۰/۴۵(a)	/ ۰/۱۹۸

در سطح تحلیل کل ضریب همبستگی نمره آزمون ورود به دانشگاه با معدل دیبرستان افراد ۶۴ درصد و ضریب تعیین آن معادل ۲۰/۰ است؛ به این معنا که نسبتی از واریانس متغیر نمره آزمون ورود به دانشگاه که به وسیله متغیر معدل دیبرستان افراد تبیین شده، به اندازه ۲۰/۰ است. نسبت F معنادار بودن این رابطه را تأیید می‌کند.

در جمع‌بندی می‌توان گفت در نظام آموزش عالی ایران میان معدل دیبرستان و میزان موفقیت در دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی به اندازه ۴۵ درصد هم‌تغییری وجود دارد؛ یعنی به اندازه ۵۴ درصد با این گزاره نظری سازگار است: «دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی در ایران با سرمایه فرهنگی همراه است؛ به گونه‌ای که هرچه میزان سرمایه فرهنگی بیشتر باشد، میزان موفقیت در دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی نیز بیشتر می‌شود.»

### نتیجه‌گیری

بر مبنای شواهد و داده‌ها، سرمایه اقتصادی به اندازه ۲۷ درصد با متغیر دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی هم‌تغییری دارد. به ازای هر واحد تغییر یا افزایش در متغیر سرمایه اقتصادی (متوسط درآمد والدین) ۴/۰۰ واحد تغییر در متغیر دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی قابل تخمین است. این استدلال تجربی نمودار آن است که گزاره‌های نظری فرضیه اول با واقعیت سازگاری ضعیفی دارد؛ به این معنا که سرمایه اقتصادی عامل مهمی در تبیین مسئله این تحقیق نیست.

بر اساس شواهدی که ارائه شد می‌توان چنین داوری کرد که تغییرات سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده (سود والدین) با تغییرات میزان دست‌یابی به فرصت‌های آموزش عالی تابع یک نوع الگوی تغییر خطی است که در آن با افزایش سطح سود والدین، میزان پذیرفته شدن افراد نیز افزایش یافه است. معرف تجربی دیگر سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده، معدل دیبرستان افراد مورد بررسی است. شواهد نشان می‌دهد معدل دیبرستان به اندازه ۶۴ درصد با متغیر دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی (نمره آزمون ورودی دانشگاهها) هم‌تغییری دارد. این داده‌های تجربی گویای آن است که گزاره‌های تجربی به مقدار زیادی با فرضیه مقاله سازگار است.

بر اساس نتایج پژوهش، در دست‌یابی به فرصت‌های آموزشی در بخش آموزش عالی ایران، سهم و وزن سرمایه فرهنگی بیشتر از سرمایه اقتصادی است. سود والدین و معدل دیبرستان افراد نیز به عنوان معرف‌های سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده، متغیرهای مفهوم سرمایه فرهنگی هستند.

## منابع

- اسناد رسمی سازمان سنجش آموزش کشور.
- بوردیو، پیر. (۱۳۷۳). «سرمایه فرهنگی و ذوق هنری». ترجمه ناهید مطیعی. *نامه فرهنگ*. ش. ۴.
- توکل، محمد. (۱۳۷۷). «وضعیت آموزش عالی در ایران: واقعیت‌ها و چالش‌ها». *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*. ش. ۴.
- ساعی، علی. (۱۳۷۴). *بررسی عوامل اکتسابی و انتسابی موقعیت در ورود به دانشگاه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- سالم، نسرین. (۱۳۸۵). *تحلیل جامعه‌شناسخنی توزیع فرصت‌های آموزش عالی در ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه تهران.
- فولتون. (۱۳۷۶). *برابری و آموزش عالی، دایره المعارف آموزش عالی تهران*. مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- کارنامه آزمون سراسری سال ۱۳۸۱ سازمان سنجش آموزش کشور.
- کارنامه آزمون سراسری سال ۱۳۸۲ سازمان سنجش آموزش کشور.
- کارنامه آزمون سراسری سال ۱۳۸۳ سازمان سنجش آموزش کشور.
- کارنامه آزمون سراسری سال ۱۳۸۴ سازمان سنجش آموزش کشور.
- گرب، جی ادوارد. (۱۳۷۳). *نابرابری اجتماعی دیدگاه‌های نظریه پردازان کلاسیک و معاصر*. ترجمه محمد سیاهپوش و احمد رضا غروی‌زاده. تهران: معاصر.
- گیدزر، آنتونی. (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- Livingston, David. (1987). *Critical pedagogy and cultural power*. Bergin and Garvey: publishers. inc.
- Ballantine, Jeanne. (1989). *The Sociology Education*. New Jersey: prentice Hall.
- Jenkins, Richard. (2002). *Pierre Bourdieu*. London and New York.